

Examining and Comparing the Symbol in Mantek Altair Attar and Gulshan Raz Shabestri

Asst. Prof. Mohammed Essa Kadhimi (Ph.D.)

Wasit University – College of Arts

messa@uowasit.edu.iq

Copyright (c) 2025 Asst. Prof. Mohammed Essa Kadhimi (PhD)

DOI: <https://doi.org/10.31973/j4zqeh82>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](#).

Abstract:

Symbols play a very important role in sufi works, because they allow sufis to convey their complex concepts and personal spiritual experiences to others through symbols. It was a deep Sufi concept, which in most cases should be kept away from the understanding of those who are not familiar with this field. Most sufi stories are in the field of didactic and allegorical literature. In addition to being an effective means of expressing the meanings of Sufi texts, the symbol is a precise tool for evaluating the content of these works and the most important and at the same time the most effective means. It is considered to be symbolic to express the themes of the texts. Two important works in mystical literature are "Mantek Altair" by Sheikh Attar Neishaburi and "Golshan Raz" by Sheikh Mahmoud Shabastri is full of these symbols. Although these two important works use mystical symbols, the type of symbolism and the goals of each are different. The present paper is described in a descriptive and analytical way, firstly in the introduction of the symbol and its types, then the symbol is identified from the story of al-Tair Logic and the book Kolshan Raz, and finally, it examines, compares and analyzes the types of sufi symbols and their use in the two texts. The result obtained from this article is; While Attar uses allegorical and fictional symbols to express the spiritual journey and mystical experiences, Shabestri deals with philosophical and abstract symbols to explain the theoretical concepts of sufism. These differences indicate two different approaches to sufism in Persian literature: one based on spiritual experience and the other based on philosophical and theoretical thinking.

Key words: Sufism, symbol, Mantek Altair, Golshan Raz, mystical literature.

بررسی و مقایسه نماد در منطق الطیر عطار و گلشن راز شبستری

دراسة و موازنة بين الرمز في منطق الطير عطار و گلشن راز شبستري

ا.م.د. محمد عیسی کاظم

جامعة واسط – كلية الاداب

چکیده

نمادها در آثار عرفانی نقش بسیار مهمی دارند، زیرا به عرفا امکان می دهند که مفاهیم پیچیده و تجربه های شخصی معنوی خود را از راه نماد به دیگران می رسند ، استفاده از نمادها در داستان ادبیات فارسی و علی الخصوص داستان های صوفیانه ابزاری برای پنهان کردن مفاهیم عمیق صوفیانه بود ؛که در بیشتر موارد باید از درک ناآشنایان این حوزه دور ماند .

اغلب داستان های عرفانی در حوزه ادبیات تعلیمی و تمثیلی قرار می گیرند. نماد علاوه بر اینکه وسیله ای مؤثر در اظهار معانی متون صوفیانه ؛ابزار دقیقی برای ارزیابی محتوایی این آثار و مهم ترین و در عین حال مؤثرترین وسیله برای بیان مضامین متون نمادین به شمار می آید. دو اثر مهم در ادبیات عرفانی یعنی «منطق الطیر» اثر شیخ عطار نیشابوری⁽¹⁾ و «گلشن راز» اثر شیخ محمود شبستری⁽²⁾ مملو از این نمادها هستند. هرچند این دو اثر مهم از نمادهای عرفانی استفاده می کنند، ولی نوع نمادپردازی و هدف های هر یک متفاوت است.

مقاله حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی ابتدا در معرفی نماد و انواع آن بیان می شود، سپس نماد از داستان منطق الطیر و کتاب گلشن راز مشخص گردیده است و بلاخره به بررسی و مقایسه و تحلیل انواع نماد عرفانی و استفاده از آن در دو متن یاد شده می پردازد. نتیجه ای که از این مقاله به دست آمده، این است؛ که عطار از نمادهای تمثیلی و داستانی برای بیان سفر روحانی و تجربیات عرفانی استفاده می کند، شبستری به نمادهای فلسفی و انتزاعی برای توضیح مفاهیم نظری عرفان می پردازد. این تفاوت ها نشان دهنده دو رویکرد متفاوت به عرفان در ادبیات فارسی هستند: یکی مبتنی بر تجربه معنوی و دیگری بر تفکر فلسفی و نظری.

کلید واژگان : تصوف، نماد، منطق الطیر ، گلشن راز ، ادب عرفانی.

مقدمه:

زبان صوفیان زبانی است که برای بیان معنای خود از استعاره و کنایه استفاده می کند. تصوف در یک عبارت یا کلمه نمی آید. مگر اینکه آن عبارت یا کلمه دلالت بر معنایی داشته باشد. این نوع تعبیر از کلام حاکی از ادراک خاص اهل علم و معرفت است. نماد بخش مهمی از ادبیات عرفانی فارسی است. برخی ممکن است تعجب کنند که چرا از نماد استفاده می شود؟ چرا به شیوه مستقیم و آسان صحبت نمی کنند؟ پاسخ این است؛ استفاده از نمادها در شعر صوفیه توجه و دلایل زیادی دارد. که مهمترین آنهاست؛ فرار از ایرادات منکران (فقها، علما و صاحبان امر) که فقط به ظاهر کلمات و اهمیت زبانی آن را در نظر می گیرند. دوم - کلمات (علیرغم از گستردگی آنها) از درک معانی تجربه ای روحی و ذوقی آنها محدود هستند. سوم - تشخیص مدعیان، متجاوزان و منحرفان از افرادی که تمایلات و عقاید باطنی دارند (النفری، ۱۹۹۷: ۵۱).

"به اعتقاد صوفیه حقایق عرفانی را تنها به زبان محرمی، یعنی زبان رمز، استعاره، کنایه و تمثیل می توان گفت و اگر نه خاموشی بهتر. به کاربردن زبان منطق و عقل و قیاس بی احتیاطی و خطر کردن است. به همین علت پیران کامل کتم سر حق را تأکید و الزام می کردند و ازین جهت، مکاشفات و دریافت های صوفیه در زبان قصه و رمز بیان می شود" (ستاری، ۱۳۷۲: ۱۷۴) لذا شناخت حقایق عرفان و تصوف مستلزم آشنایی با معانی این واژه های نمادین است.

شیخ عطار که یکی از مهمترین و معروفترین شاعران تصوف در عصر خود (قرن ششم و هفتم هجری) به شمار می آید. در داستان منطق الطیر با استفاده از پرندگان (به عنوان نماد انسانها) به بیان چالش ها و موانعی می پردازد که سالکان در مسیر رسیدن به حقیقت با آنها روبرو هستند.

شیخ شبستری که در قرن هفتم و هشتم می زیست و از شخصیت و اندیشه های عطار نیشاپوری متأثر بود^(۳) در کتاب گلشن راز با استفاده از نمادها و فاهیم عمیق عرفانی، سعی می کند که خواننده را به سوی شناخت حقیقت الهی هدایت کند.

«منطق الطیر» و «گلشن راز» به دلیل جامعیت و زیبایی زبان شعری این دو اثر حائز اهمیت است و یکی از منابع مهمی برای پژوهشگران عرفان و ادبیات فارسی به شمار می رود.

این تحقیق به شیوه ای تحلیل توصیفی تلاش دارد تا انواع نمادهای عرفانی و هدف استفاده از آن را در این دو کتاب مهمی را به شکلی مقایسه بررسی کند.

پیشینه تحقیق :

درباره منطق الطیر عطار و گلشن راز شبستری پژوهش های متعددی صورت گرفته است که در اینجا به برخی از آنها اشار می کنم: خسروی در مقاله ای با عنوان «نگاهی به نمادپردازی در منطق الطیر عطار» به بررسی نمادهای واژگانی و عددی در این منظومه پرداخته و بیان می دارد که "عطار در منطق الطیر به شکلهای مختلف از نماد استفاده کرده است این جنبه نمادین هم در کلیت داستان دیده می شود هم در اجزای آن" (خسروی، ۱۳۸۷: ۷۶)

آذرگون در مقاله ای با عنوان «نماد در منطق الطیر عطار نیشابوری» به بررسی نماد در این منظومه پرداخته و عنوان می کند که "شکل دیگر نماد و نشانه اختصاص به اهل عرفان داشته و دارد و عامل پیدایش نمادهای خاص این طایفه تقسیم مردم به دو گروه خودی و غیر خودی یا یار و اغیار بوده است" (آذرگون، ۱۳۸۸: ۱۳۱)

یاوری و وفایی در مقاله ای با عنوان «واکاوی و تحلیل کهن الگو و نمادهای فرارونده عرفانی در گلشن راز با رویکرد به نظریه روان شناختی یونگ» بیان می دارند که "در گلشن راز، کهن الگو ها ریشه در ناخودآگاهی جمعی دارند. در این مثنوی کهن الگوی آفتاب، دریا (آب)، آتش، آینه و سفر، تاویل و تفسیر شدند. صور مثالی یونگ را در عرفان اسلامی، اعیان ثابته می نامند. اندیشه های انتزاعی و شهودی در گلشن راز از قرآن و احادیث نشئت گرفته است" (یاوری و وفایی، ۱۳۹۶: ۱۵۹)

دسته ای از مقالات نیز به بررسی شروح گلشن راز می پردازند، مانند «شروح گلشن راز» که به معرفی شروح، ترجمه های گلشن راز به زبان های دیگر (ترکی، المانی، انگلیسی، اردو) و نظریه های گلشن راز می پردازد. مقالات دیگر هم فقط یک شرح را بررسی می کنند، نظیر: «معرفی شرح گلشن راز از شیخ مظفرالدین علی بن محمد شیرازی رومی»، «معرفی و بررسی شرح گلشن راز احمد بن موسی رشتی استادی» (اسپرهم و دربندی، ۱۳۹۸: ۸۲).

همچنین مقالات دیگری تحت عنوان «عطار و شبستری» حکیمه دبیران (۱۳۸۳)؛ «تأثیر پذیری شیخ شبستری از کلام، تعابیر و اندیشه های شیخ نیشابور» مجید نوری (۱۳۹۰)؛ «بررسی و مقایسه معرفت در منطق الطیر عطار نیشابوری و گلشن راز شبستری» فاطمه فراچی (۱۳۹۳)، «تأثیر اسرار نامه عطار بر گلشن راز شبستری بر اساس نظریه بینامتنیت» اصغر اسماعیلی (۱۳۹۴)؛ «مراتب سلوک از منظر عطار و شبستری با تکیه بر منطق الطیر و گلشن راز» دکتر مالک شعاعی، دکتر سید محمد رضا حسینی نیا و

دکتر مهدی پاکزاد (۱۳۹۷)؛ با توجه به پژوهش های انجام شده مشخص می گردد که درباره بررسی و مقایسه نماد در این دو اثر عرفانی مهم هیچ پژوهشی تا کنون صورت نگرفته است، بنابراین، اهمیت این تحقیق در این است که اولین تحقیق در این زمینه محسوب می شود.

۱- نماد چیست:

نماد یک نشانه یا نماینده است که معنای خاصی فراتر از خود را منتقل می کند. این مفهوم می تواند شامل اشیاء، شخصیت ها، رنگ ها، یا حتی رویدادها باشد که به صورت غیر مستقیم به ایده ها، احساسات، یا مفاهیم خاص اشاره دارند. نمادها معمولاً چند معنا هستند و در زمینه های فرهنگی، ادبی و مذهبی معانی متفاوتی دارند. به عنوان مثال، گل ممکن است نماد عشق و زیبایی باشد، در حالی که پرند می تواند نماد آزادی یا روح باشد. در کل، نمادها ابزارهای قوی برای بیان و انتقال مفاهیم پیچیده و عمیق هستند (ستاری، ۱۳۷۲ : ۱۸۵)

۱-۱- انواع نمادگرایی در ادبیات.

مهمترین انواع نمادگرایی در ادبیات عبارت اند از:

۱-۱-۱ نماد مذهبی:

این نوع نمادها شامل استفاده از شخصیت ها، مکان ها یا رویدادهای مذهبی برای بیان موقعیت های خاص است. مانند: ابراهیم (علیه السلام) نماد سخاوت و فداکاری است^(۴)، ایوب (علیه السلام) نماد صبر بر بلا و رضایت از قضاوت خدا است^(۵)، هابیل نماد نیکی است، قابیل نماد قتل است^(۶). قرآن کریم و سایر کتاب های آسمانی و نوشته های دینی پر از نمادگرایی که اهمیت استفاده از آن را نشان می دهد (نصر، ۱۹۷۸ : ۳۲).

۱-۱-۲ نماد تاریخی:

وقایع تاریخی را به عنوان نمادهایی در نظر می گیرد که می توانند آنچه را که نویسنده می خواهد بیان کند، نشان دهد. این نماد به طور خاص در شعر بسیار ظاهر می شوند، به عنوان مثال، فرعون را به عنوان نماد استبداد و بی عدالتی، امام علی (ع) به عنوان نماد شجاعت و عدالت و هارون الرشید را به عنوان نماد اسراف در نظر می گیرند (همان منبع : ۳۷)

۱-۱-۳ نماد افسانه ای:

به معنای این است؛ رویدادها یا شخصیت هایی را که از داستان های عامیانه گرفته شده اند. رویدادهای که درباره وقایع غیر طبیعی یا در مورد اقدامات قهرمانان خیالی

صحبت می کند، مانند استفاده از سندباد، که نماد ماجراجویی و شخصی است که زیاد حرکت می کند و سفر می کند (الیاده، ۱۳۹۳: ۴۸).

۱-۴ نماد عرفانی:

شاعر صوفی با نماد علاقه زیاد داشت و آن را نقش اساسی در اظهار تجربه ای شاعرانه خود به شمار می آید. زیرا به وسیله ای نماد شاعر می تواند آن تجربه را از درون خود به بیرون می آید.

هر کلمه ای که شاعر صوفی به عنوان نماد از آن استفاده می کند، تنهایی یک معنا را بیان نمی کند، بلکه از آن فراتر می رود و معانی دیگری را بیان می کند که فراتر از حواس است و ابعاد آن را جز راه تفسیر قابل درک نیست. لذا نماد صوفیانه به فضایی برای تفسیر تبدیل شده است و به همین دلیل با بیش از یک تفسیر از یک نماد مواجه هستیم. نماد صوفیانه هر چه بیشتر معانی ظاهری را بیان کند، معانی درونی دیگری را در پشت معنای خود پنهان می کند (نشانه ها و حقایق مربوط به اصطلاحات اهل تصوف و ادبیات آنهاست) (قهوجی، ۲۰۲۲: ۶۷)

۱-۲- خصایص نماد در ادبیات.

از جمله مهمترین خصایص نماد در ادبیات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲-۱ فقط به چیزها اشاره می کند، هر نوع توضیح یا جزئیات اجتناب می کند.

۲-۲-۱ نماد بهترین راه برای بیان افکار و احساسات به شمار می آید. زیرا با افزایش فعالیت ذهنی فرد گیرنده، بهتر می تواند تجربه ای روانشناسی و آنچه در پشت واقعیت درک شده است.

۱-۲-۳ اختصار شدید است، در نماد هیچ جزئیات یا توضیحی وجود ندارد.

۱-۲-۴ ابهام در بیان، یکی از مهم ترین ویژگی های نمادگرایی در ادبیات به شمار می رود. این ابهام ناشی از پیشنهادات غیرمستقیم است.

۱-۲-۵ علاقه زیادی به تخیل دارد، زیرا که نماد به شدت به تخیل متکی است (نصر، ۱۹۷۸: ۲۳-۳۱).

۲- منطق الطیر چیست:

منطق الطیر یکی از آثار برجسته و شاهکارهای ادبیات عرفانی فارسی است که توسط فرید الدین عطار نیشابوری، شاعر و عارف بزرگ قرن ششم و هفتم هجری، سروده شده است. این منظومه عرفانی به شکل تمثیلی و داستانی نوشته شده و به بررسی مفاهیم

عمیق عرفانی مانند: سلوک معنوی، عشق الهی، فنا فی الله و وحدت وجود می پردازد (ذبیح الله صفا، ۱۳۸۶: ۳۲۴).

۲-۱- ساختار و محتوای منطق الطیر:

منطق الطیر در حدود ۴۶۰۰ بیت و به صورت مثنوی سروده شده است. محتوای آن حول محور سفر معنوی پرندگان در جستجوی سیمرغ (نماد حقیقت مطلق یا خداوند) شکل می گیرد. عطار با استفاده از پرندگان به عنوان نماد انسان ها، به بیان چالش ها و موانعی می پردازد که سالکان در مسیر رسیدن به حقیقت با آنها بروبرو هستند (عطار نیشابوری، ۱۳۸۸: ۱۸).

۲-۲- داستان اصلی منطق الطیر:

داستان «منطق الطیر» با دعوت دهدد، که به عنوان مرشد و راهنما شناخته می شود، از پرندگان برای آغاز سفر به سوی سیمرغ آغاز می شود. پرندگان در آغاز، هر یک دلیلی برای عدم توانایی خود در این سفر می آورند و از سختی ها و مشکلات راه سخن می گویند. دهدد به عنوان راهبر، هر یک از این دلایل را با داستان ها و حکایات عرفانی پاسخ می دهد و آنها را به سوی آغاز سفر ترغیب می کند.

پرندگان باید از هفت وادی سخت و خطرناک عبور کنند تا به مقصد برسند. این هفت وادی نمادی از مراحل مختلف سلوک عرفانی است که هر سالک باید از آنها بگذرد. این وادی ها به ترتیب عبارتند از:

وادی طلب: مرحله ای که سالک به دنبال حقیقت می گردد.

وادی عشق: سالک در این مرحله از وابستگی ها و خواسته های دنیوی رها می شود و در عشق الهی غرق می شود.

وادی معرفت: در این مرحله، سالک به شناخت عمیق تر از حقیقت دست می یابد.

وادی استغنا: مرحله ای که سالک به بی نیازی از دنیا و حتی از خودش می رسد.

وادی توحید: در این مرحله، سالک به وحدت حقیقی خداوند و جهان پی می برد.

وادی حیرت: سالک در این مرحله در برابر عظمت و پیچیدگی حقیقت الهی دچار حیرت می شود.

وادی فنا و بقا: آخرین مرحله که سالک در آن به فنا فی الله (فانی شدن در خداوند) و بقای در ذات الهی دست می یابد (فدوی و طغیانی، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۷).

۲-۳- مفهوم سیمرغ:

سیمرغ در «منطق الطیر» نماد ذات الهی و حقیقت مطلق است. در پایان داستان، وقتی که تعداد کمی از پرندگان به مقصد می‌رسند، متوجه می‌شوند که سیمرغ چیزی جز انعکاس خودشان نیست. این به معنای این است که حقیقت الهی در درون سالکان نهفته است و آنها در طول این سفر معنوی در واقع به شناخت نفس خویش و اتحاد با حقیقت رسیده‌اند. این بخش از داستان اشاره‌ای به اصل عرفانی وحدت وجود دارد، که بیانگر این است که خداوند و انسان از یک ذات واحد هستند و سالک پس از طی مراحل سلوک به حقیقتی که در درون او بوده است، پی می‌برد (زرین کوب، ۱۳۸۹: ۲۱۲).

۲-۴- پیام‌های عرفانی منطق الطیر.

سلوک معنوی: «منطق الطیر» سفر روحانی انسان به سوی حقیقت را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که سالک باید از مراحل چون طلب، عشق، معرفت، و فنا عبور کند تا به خداوند برسد.

وحدت وجود: یکی از اصول مهم عرفان که در «منطق الطیر» بیان شده، این است که حقیقت الهی در درون هر انسان وجود دارد و سفر سالک به سمت سیمرغ در واقع سفری درونی برای شناخت خویش و خداوند است (پاکدل، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

عشق الهی: عشق به عنوان نیروی محرک اصلی در سلوک عرفانی معرفی می‌شود. سالک باید از تمام تعلقات دنیوی بگذرد و در عشق الهی ذوب شود تا بتواند به حقیقت برسد.

فنا و بقا: یکی دیگر از پیام‌های مهم «منطق الطیر» این است که سالک باید از خود بگذرد و در ذات الهی فانی شود تا به بقا در خداوند دست یابد (فدوی و طغیانی، ۱۳۸۹: ۸۴).

۲-۵- اهمیت و تأثیر منطق الطیر.

منطق الطیر یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین آثار عرفانی ادبیات فارسی است. این اثر عمیقاً بر مفاهیم عرفانی مانند عشق، فنا، وحدت وجود، و معرفت تأکید می‌کند و در قالبی داستانی و تمثیلی، پیچیده‌ترین مسائل عرفانی را به زبانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان بیان می‌کند. عطار با استفاده از داستان‌های فرعی و حکایات در طول این اثر، توانسته است ترکیبی از حکمت‌های عرفانی و تجربیات معنوی را در اختیار خواننده قرار دهد.

این اثر نه تنها در میان عرفا و اندیشمندان ایرانی تأثیرگذار بوده است، بلکه به عنوان یکی از منابع مهم برای شناخت تفکر عرفانی در جهان اسلام نیز شناخته می شود (ذبیح الله صفا، ۱۳۸۶: ۳۲۴).

۳- گلشن راز چیست :

گلشن راز اثری عرفانی و شعری از شیخ محمود شبستری، شاعر و عارف بزرگ قرن هفتم هجری است. این منظومه عرفانی به زبان فارسی سروده شده و یکی از مهم ترین متون عرفان اسلامی به شمار می رود.

گلشن راز پاسخ های منظوم شبستری درباره پانزده سؤال فلسفی و عرفانی که توسط یکی از عرفای هرات به نام امیر حسین هروی^(۷) مطرح شده بود، سرود. این پرسش ها مربوط به مسائل پیچیده ای در عرفان نظری بود^(۸) و شبستری با زبانی شعرگونه و زیبا به آنها پاسخ داد. متن اصلی این پرسش ها از بین رفته، اما گلشن راز به عنوان پاسخی به آنها باقی مانده است.

این اثر دارای حدود هزار بیت است که در قالب مثنوی و در قالب پرسش و پاسخ نوشته شده. به دلیل عمق مفاهیم و زبان فشرده «گلشن راز» مورد توجه و شرح و تفسیر بسیاری از عرفا و متفکران اسلامی قرار گرفته است^(۹). (زرین کوب، ۱۳۹۳: ۳۱۳-۳۱۴).

۳-۱- ساختار و موضوعات اصلی گلشن راز:

«گلشن راز» به مسائل بنیادین عرفانی می پردازد و شبستری در آن از نمادها و مفاهیم عرفانی و فلسفی برای توضیح معانی عمیق استفاده می کند. مهم ترین مباحث مطرح شده در این اثر عبارتند از:

وحدت وجود: یکی از موضوعات اصلی و اساسی «گلشن راز» است که شبستری با بهره گیری از زبان فلسفی به تبیین آن می پردازد. وحدت وجود بر این اصل تأکید دارد که همه موجودات جلوه های مختلفی از یک حقیقت واحد (خداوند) هستند.

حقیقت انسان: شبستری به بررسی مفهوم انسان به عنوان خلیفه خداوند روی زمین می پردازد و توضیح می دهد که انسان کامل کسی است که به وحدت با حقیقت الهی دست یافته است.

مراحل سلوک عرفانی: شبستری به تشریح مراحل مختلف سلوک عرفانی می پردازد و بیان می کند که سالک باید از مراحل مختلفی مانند طلب، عشق، معرفت، و فنا عبور کند تا به حقیقت برسد.

عشق الهی: عشق در «گلشن راز» جایگاه ویژه ای دارد و شبستری آن را نیرویی می داند که سالک را به سوی حقیقت مطلق هدایت می کند.

حقیقت و مجاز: در عرفان، تفاوت میان حقیقت (باطن) و مجاز (ظاهر) به طور گسترده ای مطرح می شود و شبستری نیز به این موضوع می پردازد (زرین کوب، ۱۳۹۳: ۳۱۳).
۳-۲- اهمیت گلشن راز در عرفان و ادبیات:

«گلشن راز» یکی از متون کلیدی عرفان نظری است که به ویژه در سنت های صوفیه و مکاتب عرفانی اسلامی تأثیرگذار بوده است. این اثر به دلیل بیان ساده اما عمیق و جامع مفاهیم عرفانی، به عنوان یکی از منابع مهم در شناخت عرفان اسلامی شناخته می شود. بسیاری از عرفای بزرگ پس از شبستری بر این اثر شروح نوشته اند و آن را توضیح و تفسیر کرده اند. (لاهیجی، ۱۳۳۷: مقدمه، هفتاد و چهار) از سوی دیگر «گلشن راز» از نظر ادبی نیز اثری ارزشمند است که در آن مفاهیم پیچیده عرفانی با زبانی زیبا و شاعرانه بیان شده است. قدرت زبانی شبستری در فشرده سازی مفاهیم عمیق در ابیاتی کوتاه و پرمغز، این اثر را به یکی از شاهکارهای ادبیات فارسی تبدیل کرده است.

۴- نمادها در منطق الطیر و گلشن راز:

۴-۱ نمادها در منطق الطیر:

عطار در «منطق الطیر» سفر روحانی پرندگان به سوی یافتن پادشاه خود (سیمرغ) به تصویر کشیده است. داستان پرندگان نمادی از سالکان است که در جستجوی حقیقت الهی هستند.

مهم ترین نمادهای این اثر به شرح زیر است:

سیمرغ: نماد حقیقت مطلق یا ذات الهی است که پرندگان (سالکان) به دنبال او می گردند. در پایان داستان، پرندگان می فهمند که سیمرغ چیزی جز خود آنان نیست و در واقع سیمرغ، انعکاس خویشتن خویش است (سی مرغ). این نماد به وحدت وجود و فنا فی الله اشاره دارد.

چون نگه کردند آن سی مرغ زود

بی شک این سی مرغ آن سیمرغ بود (عطار نیشابوری، ۱۳۸۸: ۱۹۹)

پرندگان^(۱۰): مجموعه ای پرندگان که در منطق الطیر ذکر شده اند عبارت اند از: هدهد، موسیچه، طوطی، کبک، تندباز، دُرّاج، بلبل (عندلیب)، طاووس، تَذَرُو، قُمَری، فاخته، باز (مرغ زرین)، بط (مرغابی)، همای، بوتیمار، بوف (جغد)، صعوه و در پایان و قبل از همه سیمرغ. که هر یک از این پرندگان در داستان نماد نوعی از انسان ها با ویژگی

های مختلف اند. دکتر شفیعی کدکنی در مقدمه کتاب منطق الطیر نمادهای پرندگان به شرح زیر توضیح داده شده است:

دهد: نماد مرشد، شیخ، رهبر و راهنمای معنوی است.

طوطی: نماد انسان شیرین زبانی و از اهل ظاهر و تقلید است.

کبک: نماد کسی که گوهر می پرستد و در جمع جواهر و زر می کوشد.

تندباز: نماد انسانی که می خواهد از راه اندیشه منطقی و تأملات خردورزانه به عمق تجربه دینی و عرفانی برسد.

بلبل: نماد جمال نما و اهل عشق و مستی.

طاووس: نماد انسان های مادی گرا و دل بسته به زیبایی های دنیا است.

باز: نماد انسانی که به دنبال ریاست، جست و جوی بلندی، دریاری و اهل قلم و فخر فروش است.

بط: نماد اهل زهد و عبادت، وسواس و شک و آب به آب شدن.

همای:⁽¹¹⁾ نماد انسانی است که شیفته ای نفوذ و اقتدار و تأثیر در اجتماع و امور مملکت می شوند و از راه زهد و گوشه نشینی می خواهند در ارباب جاه نفوذ داشته باشند (نماد جاه طلبی و زهد وی برای جلب حطام دنیوی).

بوتیمار:⁽¹²⁾ نماد از زاهدانی است که به گونه ای افراطی زندگی را بر خود تنگ می گرفته اند. نمودار اهل حزن و یا گرفتار مراتب احوال است (انسان بخیلی که از نعمت های زندگی دریغ می کند).

جغد یا کوف: نماد انسانی است که از دیگران فاصله می گیرند و گوشه نشینی می کنند. صعوه:⁽¹³⁾ نماد انسان ضعیفی که نمی خواهد سختی های سفر را تحمل کند و از وادی های آن بگذرد در حالی که به ناتوانی خود اعتراف می کند.

سیمرغ: اشاره به حقیقت نهایی و ذات خداوند است که پرندگان به دنبال او هستند (عطار نیشابوری، ۱۳۹۵: ۱۷۰-۱۷۹).

هفت وادی: هر یک از هفت وادی که پرندگان باید از آن عبور کنند، نمادی از مراحل سلوک عرفانی است. این وادی ها به ترتیب عبارتند از:

طلب: شروع جستجو برای حقیقت. سالک شب و روز در یاد او (خدا) باشد، اگر دنیا و نعمتش و اگر آخرت و جنتش را به وی دهند قبول نکند. همه عالم طلب مراد کنند و بلا و محبت و عطا و منع ورد و قبول خلق بر وی یکسان باشد.

عشق: عبور از دل بستگی های دنیوی و تسلیم شدن در برابر عشق الهی.

معرفت: دستیابی به شناخت و درک عمیق (دیدار حق).
استغنا: بی نیازی و رهایی از هر آنچه جز خداست (از دیدگاه عطار، استغنا، کمال معرفت و بدایت توحید است).
توحید: شناخت وحدانیت خداوند. منزل تقرید و تجرید (نفی وجودهای اعتباری و اثبات وجود مطلق از حیث ذات و صفات و افعال است).
حیرت: رسیدن به مرحله ای که عقل از درک حقیقت عاجز می شود.
فقر و فنا: فنا شدن در ذات الهی و بقای در او. (شعاعی، ۱۳۹۷: ۱۷۶ - ۱۸۸)
این نمادها به صورت تمثیلی و داستانی بیانگر سفر روحانی انسان به سوی حقایق عرفانی است. عطار با استفاده از این نمادها تلاش می کند مفاهیم عمیق عرفانی مانند فنا، وحدت وجود، و عشق الهی را به زبان ساده و داستانی بیان کند.
۴-۲- نمادها در گلشن راز:
گلشن راز، متنی عرفانی است که در پاسخ به پرسش هایی در باب عرفان و سلوک معنوی نوشته شده است. این اثر نسبت به منطق الطیر بیشتر جنبه فلسفی و نظری دارد و به مسائل عرفانی از دیدگاهی فلسفی و عمیق پرداخته می شود. برخی از نمادهای مهم این اثر عبارتند از:
گلشن: نماد حقیقت الهی یا جهان معنوی است. شبستری با استفاده از این نماد، از حقیقتی سخن می گوید که مانند باغی پر از گل های رازآمیز است که تنها سالکان قادر به دیدن و درک آن هستند.
از آنرا گلشن گرفتم شمه ای باز نهادم نام او را گلشن راز (لاهیجی، ۱۳۳۷: ۷۷۰)
راز: در عنوان «گلشن راز» این واژه اشاره به حقیقت های پنهانی و مخفی دارد که از طریق شهود عرفانی قابل دسترسی است. راز در اینجا نماد معرفتی است که باید از طریق سلوک و تزکیه درک شود.
در او از راز دل گلها شگفته است که تا اکنون کسی دیگر نگفته است (همان منبع: ۷۷۰)
نور و ظلمت: در عرفان شبستری، نور و ظلمت از نمادهای مهمی هستند. نور نماد حقیقت الهی و معرفت است و ظلمت نماد نادانی و دوری از حق.
بود پا و سر و چشم تو چون دل شود صافی ز ظلمت صورت گل
کند از نور حق بر تو تجلی به بینی بیجهت حق را تعالی (همان منبع: ۷۵۶)

انسان کامل: یکی از نمادهای مهم در گلشن راز، انسان کامل است که به عنوان واسطه ای میان خدا و خلق عمل می کند. انسان کامل در عرفان شبستری همان کسی است که به حقیقت الهی پی برده و به مقام فنا و بقای الهی رسیده است.

بت ترسا⁽¹⁴⁾ بچه نوری است ظاهر که از روی بتان دارد مظاهر
کند او جمله دلها را وثاقي⁽¹⁵⁾ گهی گردد مغنی گاه ساقی
زهی مطرب که از یک نغمه خوش زنده در خرمن صد زاهد آتش (لاهیجی ،
۱۳۳۷: ۷۶۹)

آینه: آینه نمادی از انعکاس حقیقت است. در عرفان شبستری، آینه به انسان یا دل انسان اشاره دارد که می تواند حقیقت الهی را در خود منعکس کند، البته اگر از آلودگی ها پاک شود.

بنه آیینۀ اندر برابر در او بنگر به بین آن شخص دیگر
یکی ره بازبین تا چیست آنعکس نه اینست ونه آن پس کیست آنعکس (همان منبع:
۷۴۵)

۵- مقایسه نمادها در «منطق الطیر» و «گلشن راز»
بررسی و مقایسه نمادها در منطق الطیر و گلشن راز موضوعی جذاب و پرمحتوا است که می تواند دیدگاه های عمیق عرفانی این دو اثر را آشکار کند. هر دو اثر از نمادها به عنوان ابزاری برای بیان مفاهیم پیچیده عرفانی استفاده می کنند، اما تفاوت هایی اساسی در رویکرد و استفاده از این نمادها وجود دارد. در این مقایسه، به بررسی دقیق تر و تفاوت های نماد پردازی در این دو اثر می پردازیم.
۱-۵- رویکرد به نمادها: داستان پردازی در مقابل فلسفه.
الف- منطق الطیر:

در این اثر، عطار از تمثیل ها و روایت های داستانی برای بیان مفاهیم عرفانی استفاده می کند. سفر پرندگان به دنبال سیمرغ، یک روایت نمادین است که به صورت تمثیلی، سفر روحانی و معنوی انسان را به تصویر می کشد. هر یک از پرندگان نماینده نوعی از انسان ها و حالات روحانی اند که با ویژگی های خاص خود به داستانی جذاب و آموزنده تبدیل می شوند. در اینجا، نمادها به شکلی ملموس و عینی استفاده می شوند تا پیام عرفانی از طریق داستان گویی منتقل شود. این داستان پردازی سبب می شود که اثر بیشتر جنبه تعلیمی و تمثیلی داشته باشد.

ب- گلشن راز:

در مقابل، گلشن راز یک اثر فلسفی و نظری است که به صورت پرسش و پاسخ نوشته شده است. نمادهای شبستری اغلب مفاهیمی فلسفی و انتزاعی هستند که برای تبیین اصول عرفانی به کار می روند. برخلاف «منطق الطیر» که بر روی روایات داستانی تمرکز دارد، «گلشن راز» از زبان فلسفی و استدلال های نظری بهره می برد تا مفاهیم عرفانی مانند وحدت وجود، نور و ظلمت، انسان کامل و دیگر مفاهیم مهم عرفانی را توضیح دهد.

۵-۲- نوع نمادها: تمثیلی در مقابل انتزاعی:

الف - نمادهای تمثیلی در منطق الطیر:

در منطق الطیر نمادها بیشتر تمثیلی و عینی هستند. برای مثال:

سیمرغ: نماد حقیقت الهی است که در پایان داستان، پرندگان متوجه می شوند که او چیزی جز انعکاس خودشان نیست. این نماد به وحدت وجود و مفهوم "خود" به عنوان پرتویی از حقیقت الهی اشاره دارد.

پرندگان مختلف: هر پرنده نماینده نوع خاصی از انسان هاست. هر یک از این پرندگان مانند: هدهد، طاووس، بلبل و باز به عنوان تمثیلی برای نقایص و مشکلات روحانی انسان ها استفاده می شوند. برای مثال، طاووس نماد کسانی است که به زیبایی ظاهری و شکوه دنیوی دل بسته اند، در حالی که هدهد نماد راهبر و مرشد معنوی است.

هفت وادی: عبور پرندگان از هفت وادی نمادی از مراحل مختلف سلوک عرفانی است که سالک باید از آن عبور کند تا به حقیقت نهایی برسد. این وادی ها هر کدام معنای عمیق و عرفانی دارند که در قالب داستانی به تصویر کشیده شده است.

ب- نمادهای انتزاعی در گلشن راز:

در گلشن راز نمادها اغلب انتزاعی و فلسفی هستند و کمتر به اشیاء و شخصیت های ملموس اشاره می کنند. این نمادها به مفاهیم نظری و ذهنی تعلق دارند:

گلشن (باغ): این نماد به حقیقت و عالم معنوی اشاره دارد که تنها با شهود عرفانی قابل درک است. شبستری از باغ به عنوان نماد جهان باطنی و حقیقت پنهان سخن می گوید. آینه: یکی از نمادهای برجسته در گلشن راز، آینه است که به عنوان نمادی از روح و قلب انسان عمل می کند. وقتی دل انسان از زنگار تعلقات دنیوی پاک شود، می تواند حقیقت الهی را همچون آینه ای منعکس کند.

نور و ظلمت: این دو نماد به صورت مفاهیم متضاد به کار می روند و بیانگر معرفت و نادانی یا حقیقت و غیرحقیقت هستند. نور نماد حقیقت الهی است که سالک در جستجوی آن است، در حالی که ظلمت نماد حجاب های مادی و دنیوی است که انسان را از شناخت حقیقت باز می دارد.

۵-۳- هدف از استفاده از نمادها: تجربه عرفانی در مقابل تعلیم و تفکر فلسفی.

الف- در منطق الطیر:

عطار نمادها را به گونه ای به کار می گیرد که مخاطب را به سفر روحانی دعوت کند. تمثیل ها و داستان ها به خواننده کمک می کنند تا خود را در مسیر سلوک روحانی تصور کند و مراحل مختلف از طلب تا فنا فی الله را درک کند. در نهایت، هدف از استفاده از نمادها ایجاد تجربه ای عرفانی است که سالک را به وحدت وجود و عشق الهی هدایت کند. در اینجا، نمادها نه تنها ابزاری برای بیان مفاهیم هستند، بلکه وسیله ای برای تحریک و ایجاد تجربیات معنوی نیز به شمار می روند.

ب- در گلشن راز:

در گلشن راز نمادها بیشتر جنبه تعلیمی و تفکری دارند. شبستری از نمادها برای تبیین و تحلیل فلسفی مفاهیم عرفانی استفاده می کند. هدف او بیشتر فهم نظری و اندیشه ای است تا تجربه مستقیم عرفانی. برای مثال، نمادهایی مانند نور و ظلمت به عنوان ابزارهایی برای توضیح تمایز میان حق و باطل، یا معرفت و جهل به کار می روند. در اینجا، نمادها وسیله ای برای تفکر و تعمق فلسفی هستند.

۵-۴- تأکید بر سلوک فردی در مقابل وحدت وجود.

الف- منطق الطیر:

در این اثر، تأکید بیشتر بر سلوک فردی است؛ یعنی سفری که هر سالک باید برای رسیدن به حقیقت طی کند. داستان پرندگان نشان دهنده چالش ها و موانع در راه رسیدن به حقیقت است و هر پرنده نماینده جنبه ای از این چالش هاست. به عبارتی، در منطق الطیر تمرکز بیشتر بر سفر و تجربیات سالک است تا دستیابی به وحدت نهایی.

ب- گلشن راز:

در مقابل، شبستری بیشتر بر مفهوم وحدت وجود تأکید دارد و نمادها را برای توضیح این اصل اساسی به کار می گیرد. برای مثال، استفاده از نماد آینه به معنای انعکاس حقیقت در دل انسان به وحدت وجود اشاره دارد. در اینجا، نمادها برای بیان اینکه همه چیز تجلی ذات الهی است، به کار گرفته می شوند.

۵-۵- حالات عرفانی در مقابل مراحل نظری.

الف- منطق الطیر:

در منطق الطیر نمادها برای نمایش حالات عرفانی مختلف به کار می روند. هفت وادی هر کدام نماد مرحله ای از سلوک معنوی هستند که سالک باید طی کند. از مرحله طلب تا مرحله فنا، این حالات نشان دهنده تجربه های واقعی و عینی سالک در مسیر معنویت هستند.

ب- گلشن راز:

در گلشن راز نمادها بیشتر برای تبیین مراحل نظری و تحلیل فلسفی مسائل عرفانی استفاده می شوند. به جای تجربه های عینی و حالات روحانی، شبستری به توضیح ماهیت و اصول نظری عرفان می پردازد و از نمادها برای شرح این مفاهیم بهره می گیرد. نتیجه گیری:

شیخ فرید الدین عطار یکی از عارفانی است که در اغلب آثار خود به نماد توجه داشت. وی با استفاده از پرندگان به عنوان نماد در داستان منطق الطیر به مفاهیم عرفانی مهمی از جمله: عشق، فنا، وحدت وجود و معرفت تأکید کرد و در قالبی داستانی و تمثیلی، پیچیده ترین مسائل عرفانی را به زبانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان بیان کرد. عطار با استفاده از داستان های فرعی و حکایات در طول این اثر، توانسته است ترکیبی از حکمت های عرفانی و تجربیات معنوی را در اختیار خواننده قرار دهد. اما شیخ شبستری که در اندیشه های شیخ عطار متأثر بوده، در گلشن راز با استفاده از نمادها و فاهیم عمیق عرفانی، سعی کرد که خواننده را به سوی شناخت حقیقت الهی هدایت کند.

مقاله حاضر با بررسی و مقایسه انواع نمادهای این دو اثر به این نتیجه دست می یابد که در این دو کتاب تفاوت های زیادی در رویکرد، نوع نمادها، و هدف استفاده از آن وجود دارد. در حالی که عطار از نمادهای تمثیلی و داستانی برای بیان سفر روحانی و تجربیات عرفانی استفاده می کند، شبستری به نمادهای فلسفی و انتزاعی برای توضیح مفاهیم نظری عرفان می پردازد. این تفاوت ها نشان دهنده دو رویکرد متفاوت به عرفان در ادبیات فارسی هستند: یکی مبتنی بر تجربه معنوی و دیگری بر تفکر فلسفی و نظری.

پی نوشت

۱- "شیخ فرید الدین عطار نیشابوری از بزرگترین شاعران ایران و عرفای نامدار قرن ششم هجری به شمار می آید وی بسال ۵۴۰ ه ق در شهر نیشابور ولادت یافت. عطار بنا به خواست خود و حمایت پدر از آغازین روزهای زندگی به کسب معرفت پرداخت و

در محضر پدر و سایر علمای هم عصر خود با علوم مختلف آشنا گردید، او قرآن کریم را با معرفت آموخت و به علوم حدیث، فقه، تفسیر، نجوم و ادب اشنائی پیدا کرد و در علم طب نیز سرآمد طبای شهر و بلکه روزگار گردید. شیخ فرید الدین در میان علوم از فلسفه همواره کناره گیری می کرد و به عرفان و تصوف ارادتی کامل داشت" (هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۹).

۲- "شیخ محمود شبستری شاعر و عارف نامدار قرن هفتم و هشتم هجری قمری به سال ۶۸۷ هـ ق در شبستر از توابع تبریز دیده به جهان گشوده، خانواده وی از مردم متوسط و اهل دین بودند که علم و دانش در نظرشان جایگاه ویژه و قرب و منزلتی والا داشت لذا شیخ از آغاز طفولیت و بهنگامی که قوه تشخیص یافت به کسب علم و دانش در زادگاه خویش پرداخت و اندک اندک درین راه گام برداشت تا این که سرانجام مقدمات علوم را در شهر خود گذراند و ادامه تحصیل او را به تبریز کشاند. شیخ رسالات متعدد در تصوف و عرفان به نثر نوشته که مورد توجه طالبان این طریقت می باشد از جمله این رسالات می توان به دو مکتوب حق الیقین و مرات المحققین اشاره نمود. در باب شاعری شیخ خود می فرماید که قصدش گفتن شعر نبود و تنها در پاسخ درخواست عارف بزرگ و شاعر نامدار قرن هفتم امیر حسینی هروی که با نظم سؤالاتی از شیخ می نماید، او نیز منظوم پاسخ می فرماید و این پاسخ در مجموعه ای بنام گلشن راز ثبت می شود". (همان منبع: ۱۶۹-۱۷۰) این کتاب به زبان های مختلف از جمله انگلیسی، آلمانی، ترکی و اردو نیز ترجمه شده و یکی از کتاب های عرفانی معتبر گردید.

۳- این تأثیر در زبان و سبک شعری گلشن راز و دیگر آثار او به وضوح ظاهر می شود.

۴- حضرت ابراهیم (علیه السلام) در خواب دید که پسرش اسماعیل را ذبح می کند و چون رؤیاهای پیغمبران امری از جانب خداوند بود، آن را به فرزندش گفت و پسرش پاسخ داد: ای پدرم. هرچه را که مامور به انجامش شده اید انجام ده. و هنگامی که آنها را تسلیم کردند، و ابراهیم (علیه السلام) صورت پسرش را بر زمین گذشت تا او را ذبح کند، خداوند به او وحی فرستاد و گفت: ای ابراهیم خواب خود را تصدیق کردی و ما به همین مقدار از تو قبول کردیم و ذبح عظیمی را فدا و عوض او قرار دادیم.

۵- ایوب (علیه السلام) به بیماری خیلی سختی و درد پا مبتلا گردید که او به مدتی پیش از هفت سال از آن سپری شد. در نتیجه چرک و خون از بدنش خارج شد و تمام

بدنش را عفونت گرفت و جای سالمی در بدنش باقی نگذاشت. قبل از آن هم فرزندان و هر چه داشت از دست داد و با همه اینها مشغول حمد و سپاس خدا و اطاعت از او بود.

۶- هابیل و قابیل فرزندان آدم علیه السلام هستند. آنها به خداوند متعال قربانی تقدیم کردند. خداوند متعال قربانی را از هابیل پذیرفته شد ولی از قابیل نپذیرفت. قابیل به برادرش هابیل گفت: تو را می کشم، هابیل گفت: اگر دستت را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، دستم به سوی تو دراز نمی کنم تا تو را بکشم. من از خداوند پروردگار جهانیان می ترسم. بلاخره قابیل برادرش را کشت. وی اولین انسانی بود که مرتکب قتل شد.

۷- امیر حسینی هروی: صوفی معروف قرن هشتم هجری، از عارفان و فاضلان خراسان بود. در دوران کودکی ونوجوانی اش به تحصیل علوم زمان خود پرداخت و پس از اتمام دوره مجاهدت خود را در مولتانی (وی در آن مدت در خدمت شیخ رکن الدین ابوالفتح مولتانی که نواده شیخ بهاء الدین زکریای مولتانی بود) به هرات بازگشت و به تدریس و ارشاد مردم هرات مشغول شد و در همان جا درگذشت. از آثار او می توان به: کنز الرموز، زاد المسافرین، سی نامه و نزهت الارواح اشاره کرد (حسینی هروی، ۱۳۷۱: ۱۲)

۸- درباره سبب فرستادن این پرسش ها از سوی امیر حسینی هروی، چند نظریه مختلف وجود دارد. برخی دلیل این امر را به تمایل امیر حسینی برای افشای اسرار عرفان باطنی به زبان دیگری تشخیص داده. برخی هم طرح این پرسش ها برای شناختن یکدیگر ذکر کرده اند. نه برای امتحان یا تستی مشایخ تبریز و نه نیاز واقعی به پاسخ آنها. زیرا خود هروی از این مباحث آگاه بوده و چندین بار در آثار عرفانی خود مطرح کرده است (لاهیجی، ۱۳۷۸: ۷).

۹- بعضی از شروح ارائه شده در کتاب گلشن راز عبارتند از:
الف- شرح صابین الدین علی ترکه اصفهانی (متوفی ۸۳۶ق): این شرح شامل ترکیبیات و عبارات و اصطلاحات فراوانی است.
ب- شرح شاه داعی الی الله شیرازی (متوفی ۸۷۰ق) موسوم به نسائم گلشن: از شروح ارزنده گلشن راز است، مطالب خود را به صورت موجز نوشته شده.

پ- شرح محمد لاهیجی (متوفی ۹۱۲ق) موسوم به مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز: بهترین و جامعترین شرح گلشن راز و تنها شرحی است که تمام ابیات را بیت به بیت شرح و معنی کرده است.

۳- شرح الهی اردبیلی (متوفی ۹۵۰ق): این شرح تا حدود زیادی تحت تأثیر شرح لاهیجی بوده است.

ث- شرح بابا نعمت الله نخجوانی (متوفی ۹۲۰ق): از شروح که خیلی مختصر است.

۱۰- بعضی از پرندگان تنها در مقدمه داستان منطق الطیر مورد خطاب قرار می گیرند و در صحنه گفتگوی مرغان حضور ندارند. مانند: دراج، قمری و فاخته.

۱۱- هُما - هُمای: "مرغ خوب، فرخنده، مرغی نظیر شاهین و دارای جثه بزرگ که خوراکش استخوان است و قدما می پنداشتند سایه اش بر سر هر کس بیفتد به سعادت و کامرانی خواهد رسید" «در میمنت و سعادت باو مثل می زنند» (عمید، ۱۳۸۶: ۱۲۶۵).

۱۲- بوتیمار: "مرغی است ماهیخوار، داراری منقار کشیده و کردن دراز و دم کوتاه، پرهایش به رنگ سفید و سبز و آبی، بیشتر در کنار رودخانه ها می نیشیند و ماهی صید می کند" (همان منبع: ۳۲۲).

۱۳- صعوه: گنجشک کوچک، هر پرندۀ کوچک به اندازه گنجشک (همان منبع: ۸۷۴).

۱۴- مراد از «بت ترسا» انسان کامل، شیخ کامل، اقطاب و افرادی که هر زمان تجلی نمایند، تمام موجودات به اختیار یا غیر اختیار به او توجه دارند.

۱۵- نسخه: (وشاقی).

منابع:

آذرگون، علی (۱۳۸۸)، نماد در منطق الطیر عطار نیشابوری، مجله ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، ش ۲، صص ۱۳۰ - ۱۵۱.

اسپرهم، داود و دربندی، مائده سادات (۱۳۹۸)، تحلیل محتوای کیفی و کمی گلشن راز شیخ محمود شبستری، مجله ادبیات عرفانی دانشگاه زهراء (س)، ۱۱، ش ۲۰، صص ۷۹ - ۱۰۵.

الیاده، میرچا (۱۳۹۳)، اسطوره و واقعیت، ترجمه مانی صالحی علامه، طهران، نشر: کتاب پارسه. النفری، محمد بن عبد الجبار (۱۹۹۷)، المواقف والمخاطبات، بیروت، دار الکتب العلمیة الموقف الثامن والعشرون.

پاکدل، مسعود (۱۳۹۲)، وحدت وجود و بازتاب آن در منطق الطیر، مجله عرفان اسلامی سال ۹ بهار ۱۳۹۲ شماره ۳۵.

پورنامداریان، تقی (۱۳۸۶)، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، چاپ ششم، تهران، نشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حسینی هروی، امیر حسین (۱۳۷۱)، مثنوی‌های عرفانی امیر حسینی هروی (کنز الرموز، زاد المسافرين، سی نامه)، به تصحیح و توضیح دکتر سید محمد ترابی، تهران، انتشارات: دانشگاه تهران.

خسروی، حسین (۱۳۸۷)، نگاهی به نمادپردازی عطار در منطق الطیر، فصلنامه ادبیات عرفانی واسطوره شناختی، سال ۴، ش ۱۲، صص ۶۵ - ۷۹.

ذبیح الله صفا (۱۳۸۶)، تاریخ ادبیات ایران، چاپ بیست و ششم، تهران، انتشارات: ققنوس. زرین کوب، عبد الحسین (۱۳۹۳)، جستجو در تصوف ایران، چاپ سیزدهم، تهران، انتشارات: امیر کبیر.

شعاعی، دکتر مالک و حسینی نیا، دکتر سید محمد رضا و پاکزاد، دکتر مهری (۱۳۹۷)، مراتب سلوک از منظر عطار و شبستری با تکیه بر منطق الطیر و گلشن راز، فصلنامه ادبیات عرفانی واسطوره شناختی، س ۱۴، ش ۵۱، صص ۱۶۹ - ۲۰۵.

..... (۱۳۸۹)، باکروان حله، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات علمی ستاری، جلال، (۱۳۷۲)، مدخلی بر رمز شناسی عرفانی، تهران: نشر مرکز. عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین (۱۳۸۸)، منطق الطیر، چاپ سوم، تهران، انتشارات: منشاء دانش.

..... (۱۳۹۵)، منطق الطیر، مقدمه تصحیح و تعلیقات دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات: سخن. عمید، حسن عمید (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ سی و ششم، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.

فدوی، دکتر طیبیه و طغیانی، دکتر اسحاق (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل بازتاب فنا در منطق الطیر عطار، فصلنامه فلسفی و کلام اسلامی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی، بهار ۱۳۸۹.

قهوجی، بشار و آنس، (۲۰۲۲)، الرمز والرمزية في الشعر الصوفي (ابعاده و دلالاته)، احكامه الفقهيّة، خصائصه، اهم رواه، مجلة الدراسات الإسلامية، المجلد ۱۷، العدد ۲، سنة ۲۰۲۲. لاهیجی، شمس الدین محمد، (۱۳۳۷)، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، با مقدمه کامل بقلم دانشمند معظم آقای کیوان سمیعی، تهران، انتشارات: کتابفروشی محمودی. هاشمی، حمید (۱۳۸۸)، زندگینامه شاعران ایران از آغاز تا عصر حاضر، چاپ سوم، تهران، انتشارات: فرهنگ و قلم.

نصر، الدكتور عاطف جوده (۱۹۷۸)، الرمز الشعري عند الصوفية، ط ۱، بيروت، نشر: دار الاندلس و دار الکندی للطباعة والنشر.

یاوری، فاطمه و وفایی، عباسعلی (۱۳۹۶)، واکاوی و تحلیل کهن الگو و نمادهای فرارونده عرفانی درگلشن راز با رویکرد به نظریه روان شناختی یونگ، مجله عرفانیات در ادب فارسی، ش ۳۱، B (دانشگاه آزاد) /ISC ۱۶، صص ۱۵۹ - ۱۷۴.

Resources

Azargun, Ali(2008), Symbolism in the Mantek Altair Atar Nishaburi, Journal of Persian Literature of Islamic Azad University, vol.2, pp.130-151.

Esperham, Daoud and Darbandi, Maedeh Sadat(2018), analysis of the qualitative and quantitative content of Golshan Raz by Sheikh Mahmoud Shabastri, Zahra University Mystical Literature Magazine, Q11, No20, pp. 79-105.

Eliade, Mircha(2013), Myth and Reality, translated by Mani Salehi Allameh, Tehran, Publisher: Kitab Parse.

Al-Nafari, Muhammad bin Abdul-Jabbar (1997), Attitudes and Attitudes, Beirut, Dar al-Kutub al-Elamiya, Attitudes and Al-Ashron.

Pakdel, Masoud (1392), the unity of existence and its reflection in the Mantek Altair, Islamic mysticism magazine, spring 9, 1392, number 35.

Pournamdarian, Taghi (2006), Code and secret stories in Persian literature, 6th edition, Tehran, Publisher: Scientific and Cultural Publishing Company.

Hosseini Haravi, Amir Hossein (1371), Amir Hosseini Heravi's Mystical Masnavies (Kanz al-Emosay, Zad al-Masfarin, Si Nameh), edited and explained by Dr. Seyed Mohammad Torabi, Tehran, Tehran University Publications.

Khosravi, Hossein (1387), a look at the symbolization of Attar in Mantek Altair, The Quarterly Journal of Mystical Literature and Knowledge, Year 4, Vol. 12, pp. 65-79.

Zabihullah Safa (1386), history of Iranian literature, twenty-sixth edition, Tehran, published by: Phoenix.

Zarin Koob, Abdul Hossein (2013), Searching in Iranian Sufism, 13th edition, Tehran, Publisher: Amir Kabir.

Shuai, Dr. Malik and Hosseini Nia, Dr. Mohammad Reza and Dr. Pakzad, Dr. Mehri (2017), levels of conduct from the point of view of Attar and Shabastri based on the logic of Al-Tayr and Golshan Raz, Quarterly Journal of Mystical Literature, Vol. 14, No. 51, pp. 205-169.

.....(1389), Bakrovan Helle, 16th edition, Tehran, Scientific Publications

- Sattari, Jalal, (1372), an entry on mystical cryptology, Tehran: Nahr-e-Karzan.
- Attar Neishabouri, Sheikh Fariduddin (1388), Mantek Altair, third edition, Tehran, Publisher: Mansha Danesh.
-(2016), Mantek Altair, introduction of correction and commentaries of Dr. Mohammad Reza Shafiei Kodkani, 15th edition, Tehran, Publications: Sokhon
- Omid, Hassan Omid (1386), Farhang Farsi Omid, thirty-seventh edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House.
- Fadavi, Dr. Taybeh and Taghiani, Dr. Ishaq (2009), review and analysis of the reflection of annihilation in Mantek Altair Attar, Aineh Marafet, Shahid Beheshti University, Spring 2009.
- Qahuchi, Bashar and Anas, (2022), Symbolism and Al-Ramziyah in Sufi Poetry (Dimensions and Dalalate, Ahakma Fiqhiya, Khazaseh, Ahm Rawadeh, Journal of Islamic Studies, Volume 17, Number 2, Year 2022.
- Lahiji, Shams al-Din Mohammad, (1337), Mufatih al-Ijaz fi Sharh Golshan Raz, with a complete introduction written by the eminent scientist Mr. Kivan Samii, Tehran, Publications: Mahmoudi Bookstore.
- Hashemi, Hamid (1388) Biographies of Iranian poets from the beginning to the present age, third edition, Tehran, Publishers: Farhang and Qalam.
- Nasr, Al-Doctor Atef Jodeh (1978), al-Almaz al-Shaari and al-Sufiyyah, volume 1, Beirut, published by: Dar Al-Andalus and Dar Al-Kandi Publishing House.
- Yaori, Fatemeh and Vafaei, Abbas Ali (2016), Analysis and analysis of mystical archetypes and mystical symbols in Golshan Raz with an approach to Jung's psychological theory, Mysticism in Persian Literature Magazine, Vol. 31, B (Azad University/ISC (۱۶, pp. ۱۵۹-۱۷۴.